**بسم الله الرحمن الرحیم**

**جلسه46- موضوع: درس خارج اصول حضرت آیت الله عندلیب همدانی - حجیت ظن تاریخ: دوشنبه 2/10/96**

**حجیت ظن،**

**نکته ای را لازم است تذکر بدهیم و آن بحثی که مفصلا صورت گرفت در مورد امکان تعبد به ظن بر اصطلاح قوم بود در کلمه ی ظن. بر طبق مبنای مورد نظر ما باید سؤال این طور مطرح شود: 1. آیا اطمینان نیازمند به جعل حجیت است؟ جواب این است که همین که شارع در امور مربوط به خودش راه های رسییدن به خودش راه عقلای را قبول کرده و عقلاء اطمینان را می پذیرد کافی است. 2. آیا شارع ی تواند از حجیت این اطمینان ردع کند؟ بله فرق بین قطع و اطمینان هم همین است که قطع قابل ردع نیست اما اطمینان قابل ردع است. 3. آیا چیزی که دون الاطمینان است و احتمالی هست نه در حدی که اطمینان آور باشد، شارع می تواند آن احتمال ضعیف را حجت قرار دهد یا نه ثبوتا؟ جواب این است که به صورت یک قاعده خیر چون بنا شد ممشای شارع همان ممشای عقلا باشد و یک احتمال به تنهایی حجیت ندارد بله ممکن است تصور بشود مواردی برای حفظ احکام خودش حتی احتمال را برای ما کافی بداند . اما شارع چون طریقش یک طریق عقلایی است این به عنوان قاعده قابل قبول نیست.**

**اما بحثی که مرحوم شیخ و آخوند و من تبعهما در این جا مطرح کرده اند بحث حجیت ظواهر است. در این بحث چند تا نکته ی قابل دقت داریم که در استنباط تأثیر فوق العاده ای دارد:**

1. **بحث حجیت ظواهر قرآن. منهای رجوع به روایات. این بحث خیلی مؤثر است.**
2. **آیا حجیت ظواهر مختص است به آن گروهی که مقصود به افهام بوده اند یانه. این بحث هم چون در طریق مقدمات انسداد میرزای قمی واقع می شود بحث بسیار بسیار مهمی خواهد بود.**

**قبل از اینکه به این دو بحث اساسیی برسیم آنچه عرض می کنیم این که آنچه مرحوم شیخ انصاری و دیگران فرموده اند که لابأس به حجیت ظواهر چون عقلا در مقام تفهیم و تفهم، در مقام بیان مقاصد و فهم مقاصد از طرف مخاطب است و از طرف دیگر شارع مقدس در امور فهم قانونش و افهام مراداتش در مقام تفهیم و تفهم احکامش شیوه ای غیر از شیوه ی عقلا ندارد و الا آن شیوه را بیان می کرد.**

**یک سؤآلی اینجا هست که آیا دلالت ظاهر بر مراد دلالت قطعیه است یا ظنیه؟ این که می گویید این کلمه دلالت بر این معنی دارد این دلالت چگونه دلالتی است، قطعیه یا ظنیه؟**

**از عبارت شیخ اعظم ممکن است استفاده شود دلالت دلالتِ قطعیه است با این توضیح:**

**فرض ما این است که 1. متکلم در مقام بیان مرادش است با این لفظ. اساسا بحث حجیت ظواهر مال جایی است که گوینده دارد با این الفاظ دارد مراد خودش را بیان می کند. 2. این کلام دال بر آن معنی هم هست.**

**حالا اگر دیدید متکلمی که در مقام بیان است، کلامی را گفته است که ظاهر است و مبین است آن مراد را. حالا اگر بگویدی مرادش چیز دیگری است، در عین آنکه هیچ قرینه ای بر این که مرادش چیز دیگری است اقامه نکرده است این خلف است.**

**به توضیح بیشتر اگر شما سه فرض را در نظر بگیرید یکی اینکه گوینده در مقام بیان تمام مرادش هست. دوم اینکه کلام ظاهر در مراد هست. سوم این که قرینه ای بر خلاف اقامه نکرده و نگفته منظور من این نیست نه قرینه ی متصله آورده نه منفصله. باز با این سه فرض بگویید مراد متکلم این نیست این خلف است.**

**این بیانی است که می توان از قطعی بودن دلالت الفاظ بر مرادات بیان کرد. اما در عین حال شما مشاهده می فرمایید همه ی اصولیین این بحث را در مباحث ظنون مطرح می کنند. این یعنی دلالت دلالتِ ظنیه است.**

**حالا این تناقض را چگونه برطرف کنیم. آنچه که می توان گفت این است که ما بارها گفته ایم سه دلالت داریم در الفاظ: 1. دلالت تصوریه وإن شئت فقل دلالت وضعه. اگر شما کلمه ی آب را از یک انسان خواب بشنوید، شما این را بشنوید ذهن شما منتقل می شود به آب و نیز اگر یک طوطی این را بگوید. این ناشی است از آن علقه ی بین کلمه ی آب و معنای خارجی البته اگر عالم به وضع باشید. ما با این دلالت اینجا کاری نداریم.**

1. **دلالت تصدیقیه ی اولی یا استعمالی فرقی نمی کند. اگر یک فردی آگاهانه کلمه ی آب را بر زبان جاری کند اینجا نه تنها ذهن شما به این مایع بالخصوص انتقال پیدا می کند بلکه یک حکم دیگری هم می کنید و آن این است که یک گوینده ای با شعور استعمل لفظ الآب. حالا شوخی گفته یا جدی گفته یا تقیه گفته نمی دانیم.**
2. **دلالت تصدیقیه ی ثانیه یا مراد جدی. وقتی کسی واقعا تشنه باشد و به دیگری بگوید برایم آب بیاور. اینجا می گویدی نه تنها استعملَ بلکه ارادَ.**

**حالا سؤال ما این بود که وقتی می گویید دلالت یک لفظ که ظاهر است در یک معنی دلالت قطعیه است یا ظنیه؟ جواب: از این سه نوع دلالت هم دلالت استعمالیه و هم دلالت جدی دلالت قطعی است به همان برهان خلفی که توضیح دادیم چون فرض ما این است که گوینده در مقام بیان است و چون فرض ما این است که کلام دلالت دارد و چون فرض ما این است که قرینه ای بر خلاف نیاورده. با وجود این سه فرض بگوییم دلالت استعمالیه نیست خلاف فرض است و کذلک دلالت تصدیقیه ی ثانیه یعنی مراد جدی. وقتی این آقا در مقام بیان مرادش است و وقتی کلامش هم ظاهر در آن مراد هست و وقتی قرینه ای برخلاف ظاهر اراده نشده اگر بگوییم این مراد جدی نیست این خلاف فرض است. تا اینجا دلالت شد قطعیه. اما سؤال این بود که چرا ظوهر را جزء دلائل ظنیه آورده اند. چون اصل دلالت قطعی است ولی از کجا می کنید فرض ما این است گوینده در مقام بیان است و غافل نیست. این را با اصل عدم غفلت درست می کنیم و همچنین با اصل عدم قرینه، عدم آن را درست می کنیم و این اصل ظنی است و ما می دانیم نتیجه تابع اخص مقدمات است. در عین حالیکه حرف شیخنا الانصاری درست است و با وجود آن سه فرض دلالت قطعی است ولی آنچه این دلالت را درست می کند ظنی است.**

**والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم**